حکم اعدام برای نویسنده متجاوز

نویسنده متهم به تجاوز به دختران جوان بعد از محاکمه دوباره از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد.

به گزارش ایرنا، متهم این پرونده که مردی ۵۷ ساله است، پیش از این از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اتهام زنای به عنف به اعدام محکوم شده بود. قضات دیوان عالی کشور در بررسی پرونده به تحقیقات در پرونده ایراد گرفتند و آن را برای رفع نواقص و محاکمه دوباره متهم به دادگاه ارسال کردند. پس از رفع نواقص، متهم دوباره در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه محاکمه و این بار هم حکم به اعدام او صادر شد.

متهم این پرونده نویسنده‌ای است که در حوزه فلسفه و عرفان فعالیت داشته و با طرح این ادعا که نویسنده است و برای کتاب جدیدش به کار تحقیقی، نظرسنجی و مصاحبه نیاز دارد، به اغفال دختران جوان اقدام می‌کرد، با آنها قرار حضوری می‌گذاشت و نقشه‌اش را اجرا می‌کرد.

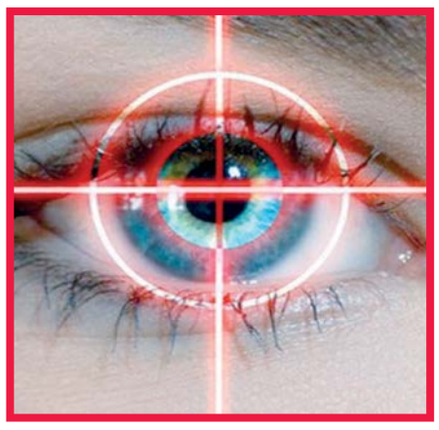

پیگیری جام جم از ماجرای نابینایی چشم بیماران در کلینیک خصوصی

معمای اتاق عمل

گروه حوادث

عمل جراحی و عفونت ناشی از آن در یکی از کلینیک‌های خصوصی در قم، باعث نابینایی چشم تعدادی از بیماران شد. بیماران در یک روز عمل شده بودند که به‌دلیل درد و عوارض بعد از عمل مجبور شدند راهی تهران و در بیمارستان فارابی بستری شوند. با شکایت بیماران پرونده‌ای تشکیل و بررسی درباره منشأ عوارض عمل چشم آغاز شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، ماجرا از ۳۱ فروردین امسال و در یکی از کلینیک‌های خصوصی قم کلید خورد. این کلینیک چشم پزشکی مدت‌ها فعالیت داشت و شهرتی در عمل‌های جراحی چشم به دست آورده بود. آن روز ده زن و مرد به اتاق عمل منتقل شدند که بیشترشان از بیماری آب مروارید رنج می‌بردند. پس از هر عمل، بیماران ترخیص شده و راهی خانه‌هایشان شدند. تا اینجا همه چیز خوب پیش رفته بود، اما پس از چند ساعت درد امان بیماران را برید. رفع درد در سر و چشم بیماران با مسکن هم کارساز نبود. یک روز از عمل گذشت اما این درد بیماران را رها نمی‌کرد. به همین خاطر راهی کلینیک شدند که آنجا به آنها گفته شد به بیمارستان فارابی تهران بروید.

آن‌طور که خانواده بیماران می‌گویند پس از معاینه چشم در بیمارستان فارابی مشخص شد، آنها دچار عفونت شدید شده‌اند و با گذشت دو هفته تعدادی از بیماران هنوز بینایی خود را به‌دست نیاورده‌اند.

روایت خانواده بیماران

خواهرزاده یکی از بیماران به مهر گفت: صبح ۳۱ فروردین برای جراحی به یکی از کلینیک‌های خصوصی مراجعه کردیم. عمل جراحی به پایان رسید و مراحل ترخیص به سرعت اجرا شد، اما از بدو ترخیص بیمار با سردردهای عجیب و چشم درد شدید مواجه شد. بعد هم پزشک اعلام کرد باید به بیمارستان فارابی برویم. پس از رسیدن به بیمارستان فارابی متوجه شدیم عفونتی شدید موسوم به عفونت بیمارستانی چشم بیمار را درگیر کرده است. تلاش‌ها برای خشک کردن عفونت ادامه دارد و به صورت قطعی گفته شد امیدی به بازگشت بینایی خاله‌ام وجود ندارد.

سیدکاظم حسینی، دیگر بیمار ۶۴ ساله قمی است و در همان روز و توسط همان پزشک تحت عمل جراحی در کلینیک خصوصی قرار گرفته است. پسر وی در این باره می‌گوید: پدرم در یکی از کلینیک‌های خصوصی جراحی کرد و دچار عفونت شد. سردرد و چشم درد از روز اول پس از جراحی امانش را برید و پس از مراجعه به پزشک معالج، ما را به بیمارستان فارابی ارجاع دادند و در آنجا نیز پیوند قرنیه صورت گرفت. وی افزود: اما در حال حاضر پدرم نمی‌تواند ببیند و به ما امیدی داده نشده که بتواند بینایی‌اش را به‌دست بیاورد. از روز اول تاکنون از دانشگاه علوم پزشکی یا کلینیک کسی به ما مراجعه نکرده و دلجویی صورت نگرفته است. هدایت زند، بیمار دیگری است که ۳۱ فروردین در این کلینیک خصوصی جراحی شده و در برابر مبالغی که پرداخته است، چشم او برای همیشه و به‌خاطر آلودگی تجهیزات اتاق عمل نابینا شد.

اقدس خسروی از دیگر بیماران این پرونده است که به گفته دخترش بینایی چشمش را براثر عفونت از دست داده است.

غزل شاهمیری درباره وضعیت مادرش گفت: مادرم برای عمل آب مروارید به کلینیک چشم پزشکی مراجعه کرد اما به علت میکروبی بودن دستگاه‌های این کلینیک بینایی چشمش را از دست داد. در حال حاضر به‌دنبال انتقال مادرمان به کلینیک دیگری هستیم تا از تخلیه چشمش جلوگیری کنیم. این میکروب به‌قدری شدید بوده که تقریباً تمام کسانی که آن روز عمل شدند، دچار مشکل شده‌اند.

محسن زندیه، پسر وی درباره وضعیت پدرش می‌گوید: پدرم سرگیجه و سر درد دارد، او نابینا شده است. وی چند روزی را در بیمارستان فارابی بستری بود و مورد جراحی قرار گرفت. پس از چند روز از بیمارستان فارابی مرخص شد اما با توجه به وضعیت بحرانی پدرم به سرعت در بیمارستان دیگری در کرج بستری‌اش کردیم.

پدر ۶۷ ساله‌ام به‌دلیل قرار گرفتن در این شرایط بسیار افسرده شده است. یکی از پزشکان در بیمارستان فارابی گفت باید زمان بدهید، اتفاق ناخوشایندی افتاده و ممکن است هیچ‌گاه بینایی‌اش بازنگردد. ما شکایت کرده‌ایم و از طریق مراجع قضایی موضوع را پیگیری می‌کنیم تا مقصران حادثه مجازات شوند.

۵ بیمار بینایی ندارند

فاطمه هاشمی، وکیل بیماران در تشریح روند پیگیری پرونده به جام جم گفت: فروردین عمل‌های متعددی در یکی از کلینیک‌های خصوصی انجام شده که تعدادی از بیماران دچار عفونت شدید شدند و همین عامل موجب شد چند نفر از آنها بینایی خود را از دست بدهند. وکالت جمعی از این بیماران اخذ شد و پرونده قضایی این کلینیک برای بررسی قصور پزشکی و دیگر احتمالات در شعبه ۶ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مورد رسیدگی قرار گرفته است.

وی افزود: برای پیگیری پرونده نیاز به گزارش نظام پزشکی است که موکلانم وقتی برای بررسی نظر کارشناسی به نظام پزشکی مراجعه کردند، به آنها اعلام شد باید بیش از ۳۰۰ هزار تومان پرداخت کنند. آنها در وضعیت کنونی توانایی پرداخت این پول را ندارند. پرداخت این هزینه برای اتباع عراقی که جزو بیماران هستند، سخت‌تر است.

این وکیل دادگستری درباره آخرین وضعیت بیماران هم گفت: تا روز یکشنبه - ۱۵ اردیبهشت - پنج نفر از بیماران دید نداشته‌اند که دو نفر از آنها از اتباع عراق هستند. امیدواریم با تلاش پزشکان، بینایی این بیماران بازگردد.

هاشمی به شکایت جدیدی در پرونده اشاره کرد و گفت: پس از افشای ماجرا توسط رسانه‌ها، فردی به من مراجعه کرد و مدعی شد ۲۵ فروردین در این کلینیک جراحی چشم کرده و به‌خاطر عفونت بعد از عمل مجبور به تخلیه چشمش شده است. وقتی به پزشک مراجعه کرده به او گفته‌اند به‌خاطر این‌که به چشمت دست زده‌ای دچار عفونت شده و حالا شک کرده عفونت اتاق عمل باعث نابینایی او شده است. باید منتظر کشت این بیمار باشیم تا مشخص شود منشأ عفونت با بقیه بیماران یکی است یا نه.

۶ بیمار مرخص شدند

همزمان با رسانه‌ای شدن ماجرای نابینایی تعدادی از بیماران، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی قم به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: بنابر شکایت و اعلام چند نفر از بیماران مبنی بر آسیب‌های جدی چشمی پس از عمل جراحی در یکی از کلینیک‌های بخش خصوصی قم، تمامی عمل‌ها در این کلینیک لغو شد.

وی افزود: از ۳۱ فروردین ۹۸ تعدادی از بیماران مبتلا به آب مروارید برای عمل چشم به یکی از درمانگاه‌های خصوصی شهر قم مراجعه کرده‌اند که پس از عمل، تیم پزشکی متوجه می‌شود چشم این افراد دچار عفونت شدید شده و با پیگیری‌های درمانگاه، بیماران به بیمارستان فارابی تهران منتقل شدند. براساس اطلاعات اولیه تعداد این بیماران ده نفر بوده که دو نفرشان از اتباع عراق هستند، اما به‌زودی و پس از انجام بررسی‌های تکمیلی، تعداد دقیق این بیماران مشخص خواهد شد.

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی قم ادامه داد: در حال حاضر همه عمل‌های جراحی در این مرکز لغو شده و آزمایش‌های لازم به‌منظور کشت میکروبی از تمام اتاق‌های عمل و داروها و تجهیزات در حال انجام است و تا حصول نتیجه کامل، این درمانگاه اجازه انجام عمل جراحی ندارد. دانشگاه علوم پزشکی قم پیگیر درمان و حصول نتیجه مطلوب برای این بیماران است و در همین خصوص کمیته‌ای ویژه تشکیل می‌شود.

۵ نفر از بیماران بینایی خود را از دست داده‌اند که پزشکان بیمارستان فارابی تهران در تلاش برای بازگرداندن بینایی آنها هستند

سناریوی قتل شوهر با همدستی شوهرخواهر

زن شوهرکش در دادگاه: ۲ سال است فرزندانم را ندیده‌ام

زن جوان که با همدستی شوهرخواهرش، همسرش را کشته بود، دیروز در دادگاه اشک ریخت و گفت، دو سالی که در زندان است حتی نتوانسته یک بار تلفنی با دو پسر خردسالش صحبت کند. پس از این جلسه، قضات دادگاه ترتیبی دادند تا این زن بتواند فرزندانش را ملاقات کند.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه پانزدهم اردیبهشت ۹۶ جسد یک مرد در کانال آبی در قیامدشت پیدا شد. شواهد نشان می‌داد این مرد در محل دیگری خفه و سپس به کانال آب پرتاب شده است.

یک شبانه‌روز از کشف جسد گذشته بود که زن جوانی به کلانتری ۱۷۴ قیامدشت رفت و از ناپدید شدن همسرش به نام پرویز خبر داد. نسرین گفت: همسرم دیروز صبح برای خرید نان از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. همه‌جا را دنبال او گشتم اما او را پیدا نکردم.

پس از بررسی این شکایت مشخص شد جسد کشف‌شده در کانال آب متعلق به شوهر اوست. وقتی پلیس به اختلاف‌های دنباله‌دار این زن و شوهر پی برد نسرین باردیگر تحت بازجویی قرار گرفت و این بار به قتل همسرش با همدستی شوهرخواهرش به نام بهروز اعتراف کرد. وی گفت: من و شوهرم با وجود داشتن دو پسر خردسال با هم اختلاف داشتیم. من زندگی خوبی نداشتم و گاهی اوقات با شوهرخواهرم درد دل می‌کردم. پس از مدتی من و بهروز به یکدیگر علاقه‌مند شدیم. به همین خاطر بهروز نقشه قتل شوهرم را کشید. قرار بود شوهرم را بکشیم و او پس از جدا شدن از خواهرم با من ازدواج کند. آن شب بهروز مهمان خانه ما بود. او قرص‌های خواب‌آوری به من داد تا در لیوان آب طالبی بریزم. من آب طالبی مسموم را به شوهرم دادم و سپس بهروز طبق نقشه او را کشت و جسدش را با خودش برد.

به دنبال اظهارات این زن، بهروز نیز بازداشت شد. وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من و نسرین از قبل نقشه قتل را کشیده بودیم. شب قتل پرویز پس از نوشیدن یک لیوان آب طالبی مسموم به اتاق خوابش رفت. من هم خداحافظی کردم و بیرون رفتم و چند دقیقه‌ای داخل ماشین مقابل در منتظر ماندم. وقتی نسرین با من تماس گرفت به خانه آنها رفتم و متوجه شدم پرویز بیهوش شده است. می‌خواستم همان جا او را خفه کنم، اما نسرین گفت طاقت دیدن مرگ او را ندارد. به‌همین خاطر پرویز را با خودم داخل ماشین بردم و او را خفه کردم و سپس جسدش را در کانال آب انداختم.

پس از تکمیل تحقیقات برای بهروز به اتهام مباشرت در قتل و برای نسرین به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر و پرونده‌شان به شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. آنها دیروز در حالی به ریاست قاضی عبداللهی و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستادند که نماینده دادستان گفت: معاون قوه قضاییه هنوز از طرف دو پسر صغیر قربانی درخواستی را مطرح نکرده، از این رو فرصت می‌خواهیم تا درخواست معاون اول قوه قضاییه را جویا شویم.

سپس نسرین در جایگاه ویژه ایستاد و در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: در دو سالی که بازداشت شده‌ام حتی برای یک بار هم فرزندانم را ندیده‌ام. پسرانم با خانواده همسرم زندگی می‌کنند و آنها حتی اجازه نمی‌دهند تلفنی با فرزندانم صحبت کنم. من تحمل این شرایط را ندارم و تقاضا می‌کنم اجازه دهید فرزندانم را ببینم.

در این میان مادر قربانی برخاست و با اشاره به نسرین گفت: این زن پسرم را قربانی رابطه پنهانی با شوهرخواهرش کرد. من نمی‌توانم اجازه دهم نوه‌هایم او را ببینند. من برای این زن و شوهرخواهرش قصاص می‌خواهم.

سپس قضات دادگاه ادامه جلسه را برای استعلام نظر معاون اول قوه قضاییه به بعد موکول کردند و ترتیبی دادند تا زن جوان بتواند با فرزندانش ملاقات کند.

حفظ قرآن برای آزادی از زندان

جوان مستندساز به اتهام آدم ربایی روانه زندان شده بود

جوان مستندساز که وسوسه حرف‌های دوست معتادش او را گرفتار ماجرای آدم‌ربایی کرده و به زندان انداخته بود، با حفظ کردن جزء سی‌ام قرآن مقدمات آزادی‌اش را فراهم کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، اوایل شهریور ۹۶ مرد معتادی پس از صحبت با یک جوان مستندساز و دوست دیگرش آنها را با وسوسه پول فریب داد و به کمک آنها عموی پولدارش را که حجره‌دار میدان میوه و تره‌بار بود، ربود.

متهمان در اخاذی ناکام مانده و همراه دختر مورد علاقه طراح آدم‌ربایی بازداشت شدند و شاکی زمانی که متوجه ابراز پشیمانی‌شان شد آنها را در دادسرا بخشید. دختر جوان چون نقشی در ماجرا نداشت، آزاد شد و سه مرد دیگر در دادگاه محاکمه و از جنبه عمومی به حبس محکوم شدند. یکی از متهمان که مردی ۲۸ ساله و مستندساز بود در زندان تصمیم به شروع و حفظ قرآن گرفت تا آزاد شود. سرانجام او دیروز جزء سی‌ام قرآن را نزد سرپرست دادسرای جنایی تهران از حفظ تلاوت کرد و نامش در فهرست زندانیان قابل بخشش قرار گرفت تا مقدمات آزادی‌اش فراهم شود.

شب‌ها هم قرآن می‌خواندم

«ای کاش هیچ‌وقت فریب وسوسه‌های دوست قدیمی‌ام را نمی‌خوردم تا راهی زندان شوم و اعتبار زندگی و کارم را از دست بدهم» این بخشی از گفته‌های جوان فیلمساز است که دیروز در حاشیه قرائت قرآن در دادسرای جنایی با خبرنگار جام جم گفت‌وگو کرد.

چطور با طراح آدم‌ربایی آشنا شدی؟

او از دوستان قدیمی‌ام بود و ۱۲ سال با هم رفت و آمد خانوادگی داشتیم. در حال پیش تولید یک برنامه مستند درباره زندگی کولبرهای غرب کشور بودم که فریب او را خوردم و با ناتمام ماندن فیلمم روانه زندان شدم.

او با عمویش اختلاف داشت؟

دوستم ابتدا در حجره عمویش کار می‌کرد و بعد از مدتی از آنجا بیرون آمد. می‌گفت با عمویش اختلاف ۳۰۰ میلیون تومانی دارد. به من وعده پرداخت صد میلیون تومان داد که وسوسه شده و با او همراه شدم.

نقشه آدم‌ربایی چطور کلید خورد؟

آن روز صبح نقاب به چهره زده و من و دوستم که چاقو و چوب داشتیم در پارکینگ ساختمان پنهان شدیم، به زور عموی او را سوار خودرویش کردیم و با بستن دست و پایش او را ربودیم. طراح ماجرا کارت بانکی عمویش را به دوست دختر هنرمندش داد تا با آن طلا بگیرد که پولی در کار نبود و در اخاذی ناکام مانده و رهایش کردیم.

شرط حفظ قرآن چه بود؟

در دارالقرآن اکثر زندانیان حافظ جزءهای قرآن بودند و من هم قرآن می‌خواندم و کارهای فرهنگی انجام می‌دادم. در آنجا شنیدم اگر جزئی از قرآن را حفظ کنم، چون شاکی مرا بخشیده می‌توانم بخششی برای ۱۱ ماه حبس باقیمانده‌ام بگیرم. دو ماه پی‌درپی قرآن می‌خواندم و حتی شب‌ها که همسلولی‌هایم می‌خوابیدند، بیدار می‌ماندم و قرآن حفظ می‌کردم. سرانجام جزء سی‌ام را حفظ شدم. مسؤولان زندان از من امتحان حفظ گرفتند که قبول شدم و برای امتحان دیگر که خواندن در مقابل مرجع قضایی بود، نزد سرپرست دادسرای جنایی تهران آمدم. کمی استرس داشتم، اما با توکل به خدا جزء سی‌ام را از حفظ خواندم و نامم در فهرست افراد قابل بخشش قرار گرفت. امیدوارم زودتر عفو بخورم و نزد خانواده‌ام برگردم.

بعد از آزادی چه می‌کنی؟

از اشتباهی که مرتکب شدم خیلی درس‌ها گرفتم. می‌خواهم دوباره به کارهای عکاسی و مستندسازی ادامه دهم، شاید یک روز فیلم مستند زندگی خودم را هم بسازم.

جوان مستندساز پس از حفظ کردن یک جزء قرآن مشمول عفو شد و به‌زودی از زندان آزاد می‌شود

تلنگر

دوئل مرگبار بر سر ضایعات

مرد جوان که هنگام جمع‌آوری ضایعات با دوستش دعوا کرده و او را کشته بود، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه نهم اردیبهشت امسال یکی از ماموران کلانتری نواب در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران خبر داد که مرد ۳۰ ساله‌ای به نام محمد که ضایعات جمع‌کن بوده زخمی شده و در بیمارستان فوت کرده است. با دستور بازپرس جنایی، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. ماموران با حضور در محل جنایت در محله نواب، از شاهدان تحقیق کردند که معلوم شد که مقتول از سوی دوستش که او نیز ضایعات جمع‌کن بوده با ضربه چاقو به قتل رسیده است.

پرونده‌ای در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و جست‌وجو برای دستگیری متهم فراری آغاز شد تا این‌که او دو روز پیش در یکی از محله‌های تهران هنگام جمع‌آوری ضایعات بازداشت شد.

متهم به افسر تحقیق گفت: من و مقتول هر دو کارمان جمع‌آوری ضایعات و فروش آن در تهران بود. مدتی بود که بر سر جمع‌آوری ضایعات با او درگیری و اختلاف پیدا کرده بودم و چند بار با هم دعوایمان شد. سرانجام آن شب دوباره بر سر مکان‌هایی که ضایعات جمع می‌کردیم، دعوایمان شد و از او خواستم که در مکان‌هایی که من کار می‌کنم حضور پیدا نکند که با من دعوایش شد و به من فحاشی کرد. من از کار او ناراحت شدم و با چاقویی که همراه داشتم دو ضربه به وی زدم و از ترس فرار کردم. روز بعد از طریق دوستانم متوجه شدم او فوت شده که ترسید، خودم را تسلیم کنم، می‌خواستم چند روز کار کنم و پول جمع‌آوری کرده و از تهران بروم که بازداشت شدم.

متهم با اعتراف به جنایت روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی شد.

شلیک مرگبار به رئیس گشت

رئیس گشت اراضی شهرداری چابهار توسط افراد ناشناس هدف شلیک گلوله قرار گرفت و کشته شد.

محمد یونس حقانی، شهردار چابهار در جنوب سیستان و بلوچستان به ایرنا گفت: احمد محمدی رئیس گشت اراضی این شهرداری هنگام گشتزنی و ماموریت بود که توسط افراد ناشناس زخمی و بعد از انتقال به بیمارستان به‌دلیل شدت جراحات فوت کرد. هماهنگی و پیگیری لازم برای دستگیری متهمان با مسؤولان امنیتی و قضایی انجام شده و شورای تامین شهرستان چابهار پیگیر این موضوع است.

آن‌سوی مرز

۷ کشته در آتش‌سوزی‌های چین

براثر دو حادثه آتش‌سوزی جداگانه در شهرهای «گویلین» و «شی‌ان» چین، دستکم هفت نفر کشته و ۶۸ نفر نیز زخمی شدند که حال تعدادی از مجروحان وخیم است.

به گزارش ایرنا، در حادثه نخست براثر آتش‌سوزی در یک مجتمع مسکونی در شهر «گویلین» استان «گوانگشی ژانگ» واقع در جنوب غربی چین، پنج نفر کشته و ۳۸ نفر دیگر نیز زخمی شدند. وضعیت شش نفر از مجروحان این حادثه که صبح یکشنبه روی داد وخیم است و در قسمت «ای سی یو» بیمارستان شهر «گویلین» بستری هستند.

در حادثه دوم نیز بر اثر آتش سوزی و فرو ریختن یک ساختمان مسکونی در شهر شی ان واقع در استان شانشی چین، دو نفر کشته و ۳۰ نفر هم زخمی شدند. تیم آتش‌نشانی شی ان بعد از ۴ ساعت تلاش توانست آتش این ساختمان را با کمک ۲۰ دستگاه تجهیزات آتش‌نشانی مهار کند. در این حادثه ۹۰ نفر نجات یافتند.